



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۱/۱۰

دکتر کریم بنی سعید عبدیان

خشم ملیت های ایران و منطقه از نظام ولایت فقیه

نا آرامی ها در ایران در دستگاه رسانه ای حکومتی به عنوان یک پدیده عادی ناشی از اعمال تحریم ها به تصویر کشیده می شود. انگار نه انگار ناآرامی ها در فساد گسترده و هدر رفتن پول مردم برای ماجراجویی های منطقه ای و رویکرد توسعه گرایانه حکومت ریشه دارند. البته رسانه ها سعی می کنند تا با افزایش گفتمان حماسی برای مصرف داخلی، مردم را به واقعیت موجود عادت دهند اما واقعیت این است که شرایط روز به روز بدتر می شود و حکومت به بن بست واقعی رسیده که کل نظام را در معرض خطر قرار داده است.

همزمان با تداوم اعتراضات مردمی با شیوه های گوناگون در ایران حالا دامنه نارضایتی از سیاست ها و رفتار حکومت ایران به کشورهای همسایه سرایت کرده است. جوانان معترض در بصره در جریان قیام مردمی در شهرهای جنوبی عراق کنسولگری ایران را به آتش کشیدند. مردم عراق در اعتراض به فساد و فرقه گرایی و نبود خدمات و وضعیت بد معیشتی به پا خاستند و حکومت ایران و احزاب حکومتی و محلی تابع آن در عراق را مقصر اصلی بدتر شدن شرایط کشور خواندند. این اعتراضات بیانگر شکست سیاست ایران در عراق و ایجاد همبستگی بین ملت های ایران و منطقه علیه نظام ولایت فقیه است.

سازمان های وابسته به ملیت های ایران از جمله عرب های اهواز و بلوچ ها و کرد ها و ترک های آذربایجانی و ترکمن ها و دیگر گروه های اپوزیسیون با انتشار بیانییه و پیام، همبستگی و حمایتشان را از معترضان بصره اعلام کردند که همین نشانگر مخالفت آشکار و قاطعانه ملیت ها با سیاست های رژیم و در کل وجود این نظام و دخالت هایشان در امور کشورهای همسایه است.

حکومت آخوندی می کوشد تا با نمایش قدرت در خارج کشور و در خاک عراق بر شکست مقتضحانه خود برای مهار و کنترل اعتراضات داخلی و نیز نارضایتی مردم عراق سرپوش بگذارد. همزمان با تظاهرات بصره، مقر نشست سالانه حزب دموکرات کردستان ایران در اقلیم کردستان عراق مورد هدف ۷ موشک بالستیک توسط سپاه قرار گرفت. حمله منجر به کشته شدن ۱۷ نفر از اعضای ارشد و زخمی شدن حدود ۴۵ تن دیگر شد. شمار فراوانی از دوستان بنده از جمله خانم سهیلا قادری نیز در میان زخمی ها بودند.

چندی بعد، حمله به رژه نظامی در اهواز در ۲۲ سپتامبر به کشته شدن ۲۴ نفر و زخمی شدن ده ها تن انجامید. هر چند «داعش» مسئولیت این حمله را به عهده گرفت اما اتهاماتی از سوی برخی از نمایندگان مجلس درباره دست داشتن و همکاری سازمان اطلاعات سپاه با عاملان حمله از طریق آموزش یا نفوذ یا تسهیل انجام آن مطرح شد.

حکومت ایران به بهانه اینکه «داعش» در سوریه حمله اهواز را طراحی کرده حملات موشکی در خاک سوریه انجام داد که از مجموع پنج موشک دو فروند در شهر کردنشین کرمانشاه اصابت کرده و منجر به تخریب کشتزارها و محصولات کشاورزی شدند. هرچند حکومت به دروغ مدعی شد که «داعش» و سران این گروه را هدف گرفته اما در واقع مناطق غیر نظامی نشین در سوریه مورد هدف بقیه موشک ها قرار گرفتند و در جریان آن ده نفر در شهرها و روستاهای دیرالزور واقع در شمال شرق سوریه جان خود را از دست دادند.

حمله هوایی رژیم ایران در خاک سوریه و عراق به بهانه حمله به دشمنان به ویژه اپوزیسیون کرد تجاوزگری آشکار و اقدام جنایتکارانه علیه کشورهای همسایه و بر خلاف قوانین بین الملل و حسن همجواری به حساب می آید. کما اینکه این حملات نشان می دهد که برنامه موشکی ایران بر خلاف ادعای رژیم بازدارنده نیست و در راستای تامین اهداف توسعه گرایانه و تروریستی حکومت طراحی شده است. برنامه موشکی همانند برنامه هسته ای به منظور اهداف نظامی تنظیم شده است.

هر چند سپاه با حمله های موشکی و این اقدام جنایتکارانه به دنبال از میان برداشتن سران گروه های کرد ایران است اما اغلب آنها که از جمله دوستان بنده هستند و دارای هدف مشترک سیاسی به منظور سرنگونی نظام ولایت فقیه و

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

دست یابی به حقوق ملی هستیم تاکید می کنند که ایستادگی ملت کرد با این تجاوزگری افزایش یافته است. کردها در محکومیت این حمله و حمایت از احزاب کرد دست به اعتصاب عمومی در شهرها و روستاهای کرد نشین زدند. اما حمله اهواز که هنوز جزئیات آن مشخص نشده و اظهارات ضد و نقیضی از سوی مسئولان ایران در این باره عنوان می شود و تحقیق در این حادثه فاقد شفافیت لازم است و مقام ها به بهانه این حمله، بازداشت های خودسرانه و اعدام و سرکوب را موجه می کنند نشان داد که رژیم ایران به دنبال نظامی کردن قیام ملیت ها و کشاندن آنها به خشونت گری است.

ما بر پرهیز از خشونت تاکید می کنیم اما با این حال بر این باوریم که حکومت ایران با تکیه بر «تروریسم دولتی سیستماتیک» ملیت های ایران و اپوزیسیون خارج کشور را هدف حمله و بمبگذاری و ترور قرار می دهد و با حمایت از تروریسم و گروه ها و شبه نظامیان مسلح و فرقه ای بر خلاف منافع ملت های منطقه عمل می کند و فقط این حکومت از خشونت گرایی سود می برد. رژیم ایران هم تسلیحات و هم تجربه کافی برای خشونت ورزی و فعالیت های تروریستی در راستای تامین اهداف سیاسی در اختیار دارد.

بنده بر این باورم که سرنگونی حکومت ایران نه با خشونت ورزی بلکه با اعتراضات و شیوه های مسالمت آمیز مردمی امکانپذیر است. اعتراضات مسالمت آمیز مردم مایه ترس و وحشت رژیم است. گروه های اپوزیسیون از تمامی اطیاف و جریان ها بر این نکته اتفاق نظر دارند که قیام مردم ایران وارد مرحله نافرمانی مدنی سراسری شده و همه ملیت ها و خلق های غیر فارس در آن شرکت می کنند. مبارزه در انحصار ما نیست و معتقدیم که مردم باید به هر روشی که به نظرشان مناسب است از خود در برابر تروریسم دولتی رژیم دفاع کنند. یکپارچگی تحرکات ضد حکومتی در مناطق عرب و کرد و بلوچ نشین بی سابقه است و همین این پرسش را مطرح می کند که آیا جرعه نافرمانی مدنی گسترده در استان های کردنشین و عرب نشین و بلوچ نشین زده خواهد شد؟ هیچ کسی خیر ندارد! اما بی گمان، افزایش اعتراض و نارضایتی کاملاً آشکار است. این نارضایتی با اعتراضات و اعتصاب عمومی سراسری در اعتراض به بحران معیشتی و افزایش رکود و فلج تقریباً فراگیر اقتصادی و افزایش بیکاری و سقوط بی سابقه ارزش پول ملی و افزایش فقر و گسترش فساد مالی و آسیب های اجتماعی در شهرهای بزرگ مثل مشهد و اهواز و شیراز و قم و تهران و غیره همراه شده است. رژیم های خودکامه گاهی به دنبال درگذشت رهبر یا افزایش کشمکش داخلی غیر قابل حل بین مقام های ارشد دولتی یا منازعات قومی یا شورش در استان های به حاشیه رانده شده و دوردست و دلایل دیگری فرومی پاشند.

و از همه بدتر وقتی است که حکومت استبدادی نمی فهمد شرایط اقتصادی به چه مرحله خطرناکی رسیده و توانایی سازگاری با شرایط متحول را از دست می دهد. حکومت کهنوتی در ایران به این درد گرفتار شده است. در حالیکه نسخه آماده ای برای سرنگونی رژیم وجود ندارد همه شواهد بیانگر این است که این حکومت مشروعیت خود را از دست داده و در آستانه خروج از گردونه قدرت است. ساختار اجتماعی و اقتصادی و مالی و اداری و فرهنگی به دلیل فساد سیاسی و اقتصادی و اداری و مالی فراگیر و کشمکش میان سه قوه فروپاشیده است و این احتمال سقوط نظام ایران را افزایش می دهد. بی گمان، بحران اقتصادی ناشی از کاهش صادرات نفت مهم ترین بحران در شرایط کنونی است. حکومت به دنبال کاهش صادرات نفت برنامه ریاضت اقتصادی در پیش گرفته و محدودیت بر واردات را افزایش داد. این رویکرد نتیجه ای جز تعطیلی اغلب کارخانه ها در سه ماه گذشته نداشته است.

اما در این میان، هنوز نمی توان گفت که ارتش ایران کجا ایستاده و هماهنگی و یکپارچگی بین ارتش و سپاه تا کی ادامه پیدا می کند. آیا ارتش همچنان حامی رژیم ولایت فقیه خواهد ماند؟ احتمال کودتای نظامی در ایران در صورت سرباز زدن ارتش از سرکوب نافرمانی مدنی بعید نیست. چالش های متعددی همچون افزایش جمعیت و رشد مهاجرت از روستاها به شهرها و افزایش پدیده بی خانمان ها و خشونت گرایی در جامعه حتی در میان طبقه متوسط و خانواده نظامیان و بسیجیان و سپاه و کارمندان دولت و نیز کاهش خدمات عمومی بستر ساز سقوط نظام هستند.

درگذشت رهبر مهم ترین شاخص سیاسی برای فروپاشی نظام است. حکومت خودکامه و مرکزگرای کنونی توسط رهبر و سپاه شکل گرفت. بخش های نظامی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و مدنی در اختیار مطلق رهبر قرار دارند. بنابراین، گزینه های فراوانی به دنبال درگذشت رهبر مطرح خواهد شد.

از سوی دیگر، جریان اصلاحات در ایران به آخر خط رسیده و شکست خورده است. شکست اصلاحات به این معناست که حکومت ایران به ویژه به دنبال سرکوب جنبش سبز در سال ۲۰۰۹ غیر قابل اصلاح است. خامنه ای برای ماندن در قدرت یک گزینه بیشتر در اختیار نداشت و به همین دلیل هم به سرکوب معترضان پرداخت. این عوامل بیانگر این است که حکومت ایران همزمان با آغاز تحریم های اقتصادی بین المللی در آستانه فروپاشی قرار گرفته است. کما اینکه، تحریم های نفتی و گازی سنگین برای قطع درآمد رژیم و عدم دسترسی به سیستم بانکی بین المللی در نوامبر آغاز خواهد شد. خلاصه اینکه: عوامل یاد شده -چه جداگانه یا یکجا- همانند جرعه ای است که انبار باروت را زیر پای حکومت منفجر می کند.